



سخن سردبیر

(دوره ۲۸، شماره ۵۷، بهار و تابستان ۱۴۰۴)

با یاد آفریدگار هستی و با دروهای شهر یورگانی

با عنایات حضرت باری تعالی و نظر به تلاش های مجموعه ی دست اندرکاران علمی و اجرایی این نشریه، نشریه «نثر پژوهی ادب فارسی» این شماره، (دوره ۲۸ شماره ۵۷، مربوط به بهار و تابستان ۱۴۰۴ خورشیدی)، قدری زودتر به سرانجام رسید و اینک به اهل تحقیق، دانشگاهیان، علاقه مندان به نثر پژوهی ادب فارسی و به ویژه به محققان و نویسندگان مقالات این شماره تقدیم می گردد.

با نگاهی گذرا به مقالات این شماره به خوبی روشن می گردد که تحریریه توجه زائدالوصفی به گزینش بهترین و پژوهشی ترین مقالات وارده نموده اند، مقالات وزینی که هر کدام به پژوهش گوشه ای از گوشه ها و کناره های دریای بیکران ساحل متون فاخر و ماندگار نثر پارسی پرداخته اند. از پژوهش های مرتبط با متون منشور و مصنوع دوره های کهن و میانه گرفته تا پژوهش های مرتبط با آثار متنوع نثر معاصر و امروزی فارسی. و اینها همه حکایت از دقت و ریز بینی های وسواس گونه ایست که ما به حیث مجموعه هیأت تحریریه به خرج داده ایم. هم چنین بسیار امیدواریم که این روند در شماره های بعدی با قدرت و دقت علمی بیشتری دوام و استمرار یابد تا شاید چیزی شبیه آن مرغان سحری باشیم که قدر مجموعه گل می دانند و بی گمان ما در پیمودن این راه ماز در ماز و پرخطر، بی همی راهبران خضر صفت و راه بلدان این طریق، کجا توانیم که از خطر گمراهی و ظلمات آن برهیم و سلامت به مقصد رسیم و کجا و چطور توانیم در گره گشایی از رموز این فن شریف و دیرینه عهد اما سرکش، به آن مقصد عالی مورد نظر برسیم؟ اگر همت والای شمابزرگان نثر پژوه گامی چند پیش نهد. براین اساس خود را چون آن نیازمند امیدواری می دانیم که به جهت رفع نیاز، خود را برخاک در ارباب نظر می افکند تا از درگاه لطف و عنایت آنها نومید باز نگردد، و اینک ما چون همه ارباب نیاز دست نیاز به جانب نگاه عنایت و آکنده از تأیید نظر شما استادان، محققان و پاسبانان دلباخته نثر فاخر پارسی دراز می کنیم واز شمایان چونان همواره انتظار یاری فراوان داریم، ایدون باد.

در ختام این مسک بر خود فرض می دانم به عنوان سردبیر جدید نشریه، (که پذیرش بار سنگین این امانت، اگرچه ناشی از ظلومی و جهولی تام و تمام این هیچ بن هیچ بوده، اما در عین حال به امر و اشارت سردبیر محترم پیشین و دیگر مسئولان دانشگاه شهید باهنر کرمان واجب الاطاعه گردید، والا من کجا، آن مه عاشق کش عیار کجا؟)

آری اینک بر خود فرض می دانم تا خالصانه از مساعی جمیل سردبیر پیشین، استاد فاضل گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، جناب مستطاب آقای دکتر احمد امیری خراسانی که نزدیک به یک دهه از عمر و حیات شریف مادی و معنوی خود را مصروف روشن نگه داشتن آتش این کاروان مقدس نمودند، تقدیر و تشکر نمایم، همو که اینک اگرچه به ظاهر از جمع هیأت تحریریه رفته اند،

«رفتی و رفتن تو آتش نهاد بردل از کاروان چه ماند جز آتشی به منزل»

اما مشعل عنایت و ارشاد ایشان متصل و تا همیشه زمان، در منزل منزل این کاروان فروزان خواهد ماند. این دانشی مرد، در طول این دوره پر مشقت، بآنکه از خودی و بیگانه فراوان دید و کشید، اما نه به هیچ لابه ای لب گشود و نه دم از کمترین جفایی زد. و هیچ گاه برای حل و فصل مشکلات به هزار در نرفت و حلقه بر دری جز در آشنا نزد. «ز حبیب هر چه دیدم به شکیب خود فرودم نه به لابه لب گشودم نه دم از جفا زدم من

چو به کوی آشنایی به از این دری ندیدم به هزار در نرفتم در آشنا زدم من»



دوستان، همراهان و گرامیان!!

این کمیته خاکسار نیک‌تر از هر کس دیگری دانم که ایشان در این ره دشوار گذر، سختی‌های زیادی متحمل شدند و فراوان مرارت‌ها کشیدند، اما علی‌رغم این همه ناملايمات از کوه استوارتر ماندند و هیچ از جای نشدند، و یکدم پای خدمت و اراده ایشان نه سست شد و نه لرزید. پیوسته دندان صبر و شکیب بر جگر ریش فشرد، و سر و جان به پای ادب و فرهنگ این کهن دیار آریایی و اهورایی درباخت و دو دیده بر همه آن ناملايمات بست و هرگز و هرگز ولو به طرقة العینی خم به ابرو نیاورد و هیچگاه برای تمنای آرزوهای دنیوی پا به صحاری حیرت و بیهودگی ننهاد و به جز جلب رضایت و خوشنودی حضرت حق، جلّ و علا، چیزی را منظور نظر و خاطر خطیر خود ننمود.

«هرکس به تمنایی رفتند به صحرايي
مارا که تو منظوری خاطر نرود جایی»

وایشان در پیمودن این مسیر علمی-پژوهشی روشن و روشنایی بخش، علی‌الدوام کلام مبارک مولای خود علی بن ابی طالب (ع) را نصب‌العین قرار دادند و آن را شعار و دثار تن و جان خویش ساختند و بی‌گمان با این نمط عالی مصداق اتم سخنان گهربار آن امام همام شدند که می‌فرماید: «تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُّ، تَدْفِي الْأَرْضُ قَدَمَكَ» و همراه «رَمَى بَصَر» به «أَقْصَى الْقَوْم» انداختند و آن بیکرانه‌های ناکران پیدای علم و ادب را مطمح نظر بلندخویش قرار دادند، خدایشان به سلامت دارد.

دوستان و سروران گرامی!!

در اینجا مناسب می‌دانم تا به نوبه خود به عنوان سردبیر نشریه دوفصل‌نامه «نثر پژوهی ادب فارسی» از زحمات، همراهی‌ها و دلسوزی‌های تک‌تک اعضای محترم و دانشمند هیأت تحریریه، چه اعضای داخل کشور و چه اعضای خارج کشور، صمیمانه سپاسگزاری نمایم و خدمت همه آن بزرگواران عرض کنم که قدردان کلیه الطاف پیدا و ناپیدای آن جنابان بوده، هستم و متصلاً خواهم بود.

در این میان هم چنین درودها و سه‌پاس‌های بسیار ویژه خود را روانه می‌نمایم به پیشگاه استاد دانشمند، همکار و همراه سالیان متمادی، دوست بی‌همال و گران‌سنگ خود، جناب آقای دکتر محمد رضا صرفی به حیث مدیر مسئول بسیار باتجربه و توانمند این نشریه و زین که از سرتفضّل، کمیته و بادبه‌دستی چون من را لایق و قابل دیدند تا به عنوان سردبیر نشریه در خدمتشان باشم، امید و رجاء واثق دارم که در این کار سترگ شایستگی در کنار ایشان بودن را داشته باشم و بتوانم با عنایات و الطاف حضرت ارتسام و حمایت‌های بی‌دریغ و همیشگی خود آن جناب جناب آن‌را، گر خدا خواهد، به منصه ظهور برسانم.

فزون بر اینها تشکر قلبی خود را تقدیم می‌کنم به محضر مبارک دوتن دیگر از استادان محترم و بسیار شاخص گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی بانه کرمان، جناب استاد دکتر محمد صادق بصیری و جناب دکتر عنایت الله شریف پور، چه به حیث اعضای شاخص و بسیار باتجربه هیأت محترم تحریریه و چه به حیث دوستان ارزشمند و همکاران گرامی خودم، دو همکار عزیز و والامقامی که سالها از محضر مبارکشان درس ادب و اخلاق آموختم و از تجربیات گرانبها و حمایت‌های مداوم آنها بهره‌ها برده و می‌برم، خدای تعالی در هر حال پاسبان وجود ذی‌جود آن هردوان باد.

همچنین سه‌پاس و تشکر فراوان می‌نمایم از همکار عزیز و دوست دانشمند، جناب آقای دکتر سید امیر جهادی حسینی، دانشیار محترم و اندیشور خوش برخورد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی بانه کرمان که سالها بی‌مزد و منت زحمت و مسئولیت مدیریت اجرایی، ویرایش، صفحه‌آرایی و چاپ الکترونیک و دیگر امور مربوط به این نشریه را با صرف وقت و در نهایت دقت عهده دار هستند.

باوجود آنکه این گرفتاری‌ها که ما ایشان را بدانها مبتلا نموده‌ایم خودچیزهای کمی نیستند و نمی‌توان به سادگی از آنها گذشت، اما ایشان در نهایت تواضع، در این چندسال اخیر پذیرفته‌اند که فزون بر آن زحمات عدیده و طاقت فرسا، زحمت مضاعف عضویت در هیأت تحریریه نشریه را نیز تقبل نمایند. از این حیث نیز از ایشان بی‌نهایت تشکر می‌کنم. خدایشان یار و یاور باد.



در ختام این مسک دست نیاز به درگاه بی‌نیازی آن دادار یگانه دراز نموده و متضرعانه از درگاهش می‌خواهم که مرا در انجام درست این مسئولیت، مسئولیت پاسبانی علمی از پژوهش‌های مرتبط با نثر فاخر و دیرینه‌عهد فارسی یاری فرماید و از درگاه لطف و کرم خود ناامید باز نگرداند.
بارالها

زبید که ز درگاهت نومید نگردد باز هر کو که به اُمیدی برخاکِ درت افتد

آمین یا ربّ العالمین، بحقّ محمد(ص) وآله الطاهرین

کمیته عباد

ناصر محسنی‌نیا

سر دبیر دوفصلنامه علمی «نثر پژوهی ادب فارسی»

کرمان، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی

سلخ شهر یورگان ۱۴۰۴ خورشیدی